دموکراسی به‌مثابه مبارزه: سیاستِ از پایین و سازمان‌دهی جمعی در برزیل

آزاده ثبوت

مقدمه نویسنده

در تابستان امسال، در چارچوب پژوهش مستمرم درباره نقش جنبش‌های شهری در مقابله با استعمار و سرمایه‌داری نژادی، مدتی را در دانشگاه کاتولیک پاپی ریو دو ژانیرو[1] و دانشگاه فدرال میناس گرایس[2] در بلو هوریزونته[3] گذراندم. دو دانشگاهی که نقش مهمی در مبارزات اجتماعی در برزیل دارند و در حوزه های حقوق سرزمینی مردمان بومی و جوامع سنتی، نقشه‌نگاری اجتماعی و تقویت پیوند دانشگاه و مبارزه فعال هستند.

سفر پژوهشی من در برزیل، از جمله ریو دو ژانیرو، بلو هوریزونته و سائو پائولو، بر بررسی این موضوع متمرکز بود که چگونه کنش‌های جمعی شهری و مبارزات مردمی بر سر زمین، رویکردهای بدیلی برای برنامه‌ریزی شهری، حاکمیت سرزمینی و بازتولید اجتماعی ایجاد می‌کنند.

تدریس در دانشگاه و تعامل با محققان و کنشگران فرصتی فراهم کرد تا با طیفی از مبارزات مرتبط اما متمایز آشنا شوم :مبارزات ارضی، از جمله جنبش کارگران روستایی بی‌زمین (MST)و تلاش آن برای اصلاحات ارضی مردمی، بوم‌کشاورزی و حاکمیت غذایی؛ مبارزات شهری، از جمله جنبش کارگران بی‌خانمان (MTST)که حق مسکن را به نابرابری شهری، سوداگری زمین و اصل کارکرد اجتماعی مالکیت پیوند می‌دهد؛ کویلومبوس (Quilombos)، جوامع تاریخیِ شکل‌گرفته از مقاومت سیاهان در برابر برده‌داری که همچنان بر خودمختاری، خوداتکایی و زندگی جمعی تأکید دارند و مبارزات مردمان بومی برای دفاع از سرزمین‌ها، حاکمیت جمعی و روابط زنده و به‌هم‌پیوسته میان زمین، جنگل‌ها، آب‌ها و جوامع، در برابر استخراج‌گرایی و سلب مالکیت.

متن پیش رو تلاشی برای بازخوانی انتخابات ریاست جمهوری اخیر در برزیل از منظر این جنبش‌ها است ؛ انتخابات برزیل در بستر مبارزه‌ای تاریخی‌تر میان جنبش‌های پیشروِ خواهان بازتوزیع ثروت و

[1] Pontifical Catholic University
[2] Federal University of Minas Gerais
[3] Belo Horizonte

قدرت قرار می دهد و مبارزه آنها را در برابر منافع شرکت‌های بزرگ، مالکان بزرگ زمین و نیروهای سیاسیِ مدافع تمرکز موجود ثروت و مالکیت بررسی می‌کند.

در این نوشته، پس از طرح مقدمه‌ای درباره اهمیت ژئوپلیتیکی انتخابات برزیل، کانون تحلیل را از رقابت میان نامزدهای دو جناح سیاسی مخالف به مبارزات جمعی، کارزارهای حق بر مسکن و اشکال سازمان‌دهی از پایین منتقل می‌کنم .هدف، نشان‌دادن اهمیت سیاسی این جنبش‌ها و ظرفیت آن‌ها برای پیوندزدن مداخله در نهادهای رسمی با تولید و تقویت مستمر قدرت جمعی در بستر سرزمین‌ها، سکونتگاه‌ها و جوامع است.

اهمیت این تحلیل می تواند از برزیل فراتر رود. زیرا به این دغدغه می پردازد که آیا جنبش‌ها می‌توانند وارد نهادهای انتخاباتی شوند، بی‌آنکه اجازه دهند سیاست انتخاباتی جایگزین سازمان‌دهی جمعی، کنش مستقیم و مبارزات سرزمینی‌ای شود که مشروعیت سیاسی آن‌ها از دل آن‌ها شکل گرفته است.

انتخابات برزیل و منازعه بر سر نظم جهانی

انتخاب مجدد لوئیز ایناسیو لولا در ۲۵ اکتبر ۲۰۲۶، با کسب ۵۱،۷۹ درصد آرای معتبر در برابر ۴۸،۲۱ درصد برای فلاویو بولسونارو، پیروزی مهمی برای نیروهای دموکراتیک و پیشرو در برزیل بود. بااین‌حال، فاصله اندک آرا نشان داد که شرایط سیاسی‌ای که نهادهای دموکراتیک در آن فعالیت می‌کنند تا چه اندازه شکننده است.

انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۶، برزیل را در موقعیت تعیین کننده ای قرار داده است، چرا که این انتخابات عمیقاً بر آینده حکومتِ مبتنی بر قانون اساسی، حقوق اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و جهت‌گیری بین‌المللی کشور تأثیر می‌گذارد . برزیل به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد آمریکای لاتین و یکی از اعضای بنیان‌گذار بریکس[۴]، جایگاهی مهم در بحث‌های مربوط به استقلال منطقه‌ای، حکمرانی اقتصاد جهانی و شکل‌گیری نظم بین‌المللی چندقطبی دارد .جهت‌گیری سیاسی این کشور نیز پیامدهایی فراتر از مرزهای آن برای همکاری منطقه‌ای، آینده آمازون و رابطه میان توسعه اقتصادی، حفاظت زیست‌محیطی و حاکمیت ملی خواهد داشت.

[۴] بریکس (BRICS)نام گروهی از کشورهای جنوب جهانی است که با هدف تقویت همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان اعضا و افزایش نقش آن‌ها در حکمرانی جهانی فعالیت می‌کند. اهمیت بریکس در ظرفیت آن برای به چالش کشیدن انحصار قدرت‌های غربی بر نهادهای مالی و سیاسی بین‌المللی، گسترش همکاری جنوب - جنوب و ایجاد امکان‌های تازه برای استقلال اقتصادی و سیاسی نهفته است. بااین‌حال، تحقق این ظرفیت به معنای استعمارزدایی نیست، مگر آنکه تغییر در مناسبات بین‌المللی با دگرگونی روابط مالکیت، استخراج، انباشت و سلطه در درون کشورها نیز همراه شود.

این انتخابات همچنین پرسش‌هایی جدی درباره آینده قانون اساسی ۱۹۸۸ برزیل مطرح کرد .این قانون اساسی پس از ۲۱ سال دیکتاتوری نظامی تصویب شد و نقطه عطفی در استقرار یک نظم دموکراتیک بود. قانون اساسی، تضمین‌هایی برای حکومت مبتنی بر قانون و استقلال قوه قضائیه ایجاد کرد، حقوق مردمان بومی را به رسمیت شناخت و حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، از جمله دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و تأمین اجتماعی را تثبیت کرد. این تضمین‌ها در جامعه‌ای عمیقاً نابرابر همچنان محل مناقشه‌اند و تحقق آن‌ها نیز نابرابر بوده است بااین‌حال، چارچوبی اساسی برای طرح مطالبات جنبش‌های مردمی در برابر دولت فراهم می‌کنند.

در جریان این انتخابات، نگرانی‌ها درباره تداوم و تقویت جریان سیاسی راست افراطیِ وابسته به ژائیر بولسونارو و پیامدهای آن برای نهادهای دموکراتیک برزیل افزایش یافت .هم‌زمان، تلاش متحدان این جریان برای برکناری قضات نیز نگرانی‌ها درباره استقلال قوه قضائیه را افزایش داد .از این رو، خطر صرفاً تغییر دولت یا جهت‌گیری سیاست‌گذاری نبود، بلکه احتمال استفاده از پیروزی انتخاباتی برای تضعیف نهادهای نظارتی، محدود کردن پاسخ‌گویی قضایی و بازپس‌گیری تضمین‌های حقوقی‌ای بود که پس از پایان دیکتاتوری نظامی به دست آمده بودند .بنابراین نگرانی جدی وجود داشت مبنی بر این که آیا پیروزی انتخاباتی می‌تواند برای تغییر قواعد اعمال قدرت و تضعیف حمایت‌هایی به کار گرفته شود که حاصل مبارزات پیشین بوده‌اند.

بااین‌حال، اهمیت این انتخابات به مسائل داخلی محدود نبود .از دیدگاه بسیاری از ناظران، رویارویی سیاسی در برزیل را باید بخشی از مبارزه‌ای گسترده‌تر میان نظم بین‌المللی تحت رهبری ایالات متحده و ظهور نظمی جهانی چندقطبی دانست .از این زاویه، فشارهای ایالات متحده بر برزیل با وزن اقتصادی این کشور، روابط راهبردی آن با چین، مشارکتش در بریکس و مقاومت آن در برابر برخی جنبه‌های سیاست خارجی واشنگتن ارتباط دارد .برزیل امروز به یکی از عرصه‌های مهم منازعه بر سر این مسئله تبدیل شده است که آیا کشورهای آمریکای لاتین ظرفیت حفظ روابط اقتصادی و دیپلماتیک مستقل را خواهند داشت یا بیش‌ازپیش در نظمی منطقه‌ای تحت رهبری ایالات متحده ادغام خواهند شد .در این چارچوب، پیروزی احتمالی فلاویو بولسونارو نگرانی‌هایی را برمی‌انگیخت که دولت او ممکن است در راستای هم‌سویی بیشتر با اهداف راهبردی واشنگتن، روابط برزیل با چین و دیگر شرکای بین‌المللی و نقش مستقل این کشور در نظم چندقطبی را تضعیف کند.

این منازعه را می‌توان در پرتو راهبرد امنیت ملی ایالات متحده و قصد اعلام‌شده دولت ترامپ برای تقویت نفوذ آمریکا در نیم‌کره غربی نیز فهمید؛ جهت‌گیری‌ای که به‌منزله تلاشی برای تثبیت آمریکای لاتین به‌عنوان پایگاهی راهبردی در رقابت گسترده‌تر با چین و دیگر رقبای ژئوپلیتیکی واشنگتن تلقی می‌شود .در این چارچوب، فشار ایالات متحده بر ونزوئلا و کوبا، اقدامات اقتصادی علیه برزیل و پیوندهای سیاسی میان

شبکه‌های محافظه‌کار آمریکایی و نیروهای راست‌گرا در سراسر آمریکای لاتین، اجزای مرتبط یک چشم‌انداز منطقه‌ای گسترده‌تر به شمار می‌روند. این تحولات را می‌توان نشانه‌هایی از شکل‌گیری پروژه‌ای منطقه‌ای و هماهنگ از سوی راست افراطی دانست؛ پروژه‌ای که در آن تلاش‌های علنی ترامپ برای هم‌سو کردن برزیل، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع نفوذ آمریکا در نیم‌کره غربی، جایگاهی محوری دارد.

مشارکت برزیل در بریکس نیز با تلاش‌هایی برای گسترش همکاری‌های بین‌المللی فراتر از نهادهای تحت سلطه غرب و تقویت استقلال دیپلماتیک این کشور همراه بوده است .از این منظر، ریاست‌جمهوری بولسونارو می‌توانست این جهت‌گیری را تضعیف کند و مشارکت برزیل در ابتکارهایی را مختل سازد که با هدف متنوع‌سازی روابط اقتصادی بین‌المللی و کاهش وابستگی به قدرت‌های مسلط شکل گرفته‌اند .بنابراین، مناقشه بر سر آینده بریکس در واقع تعیین‌کننده این است که برزیل تا چه اندازه می‌تواند در جهت‌گیری اقتصادی و سیاسی خود استقلال داشته باشد.

تفاوت مواضع لولا و فلاویو بولسونارو درباره فلسطین و غرب آسیا نیز بُعد دیگری از این تقابل در سیاست خارجی را آشکار می‌کند .محکوم کردن نسل‌کشی فلسطینیان به دست رژیم صهیونیستی از سوی لولا، فراخواندن سفیر برزیل از تل‌آویو و مخالفت او با اقدامات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، جلوه‌هایی از سیاست خارجی‌ای هستند که بر حاکمیت ملی و مخالفت با مداخله نظامی تأکید دارد و با سیاست‌های واشنگتن در تقابل قرار می‌گیرد .در مقابل، فلاویو بولسونارو از اسرائیل حمایت کرده، قصد خود را برای انتقال سفارت برزیل به اورشلیم اعلام کرده و بر هم‌سویی با دولت اسرائیل تأکید داشته است .این تفاوت‌ها همچنین بازتاب‌دهنده رابطه‌ای گسترده‌تر میان جنبش‌های سیاسی هم‌سو با ترامپ در آمریکای لاتین و شبکه‌های سیاسی حامی اسرائیل هستند .از این رو، موضع‌گیری درباره فلسطین و غرب آسیا بخشی از منازعه‌ای گسترده‌تر بر سر جهت‌گیری بین‌المللی برزیل، حاکمیت ملی و امکان شکل‌گیری نظم جهانی متفاوت است.

نیروهای راستگرا، طبقات سرمایه‌دار شرکتی و مالکان زمین در برزیل تلاش کرده‌اند پیشروی نیروهای پیشرو را مهار کنند و از حمایت منافع محافظه‌کار در ایالات متحده نیز برخوردار بوده‌اند. از این منظر، پیروزی بولسونارو می‌توانست راست منطقه‌ای و بین‌المللی را تقویت کند، ترتیبات رفاهی و قانون اساسی برزیل را تهدید کند و رویکرد کشور به آمازون، همکاری منطقه‌ای و نهادهای چندجانبه را تغییر دهد. اهمیت برزیل برای آمریکای لاتین، جایگاه زیست‌محیطی آن و نقش آن در بریکس، این انتخابات را برای پروژه‌های سیاسی فراتر از مرزهای ملی نیز مهم می‌کرد.

انتخابات همچنین در فضایی برگزار شد که فشار اقتصادی، تحریم‌ها، پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های ارتباطات سیاسی برای تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی داخلی به نفع نامزد مورد حمایت ترامپ وجود داشت .در جریان کارزار انتخاباتی، نهادهای انتخاباتی برزیل از شرکت متا خواستند درباره محدودیت‌های اعمال‌شده بر برخی پست‌های کارزار لولا توضیح دهد؛ کارشناسان سازمان ملل نیز نگرانی‌هایی درباره بی‌طرفی این پلتفرم و رفتار برابر با بازیگران سیاسی مطرح کردند[۵].

جنبش کارگرانِ روستایی بی‌زمین و سیاست دموکراسی از پایین در برزیل

انتخاب مجدد لوئیز ایناسیو لولا فضای مهمی برای تداوم دموکراسی حفظ کرد؛ اما فاصله اندک آرا نشان داد که راست افراطی در برزیل همچنان از قدرت قابل‌توجهی برخوردار است .قدرت سیاسی راست برزیل ریشه در تاریخ داخلی سلسله‌مراتب نژادی، نظامی‌گری، ضدکمونیسم و منازعه بر سر زمین و توسعه دارد .به همین ترتیب، پیروزی انتخاباتی یک نیروی پیشرو به‌تنهایی قادر نیست نابرابری‌های ساختاری‌ای را حل کند که سیاست اقتدارگرا را زنده نگه می‌دارند.

موج صورتی[۶] در آمریکای لاتین فضای سیاسی را برای پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، گسترش همکاری منطقه‌ای و شکل‌گیری شیوه‌های تازه‌ای از مشارکت مردمی گشود .بااین‌حال، پیروزی انتخاباتی احزاب پیشرو نتوانست ساختارهای اقتصادی‌ای را که قدرت الیگارشیک بر آن‌ها استوار است، از میان ببرد .تمرکز مالکیت زمین، کشاورزی صنعتی بزرگ‌مقیاس، صنایع استخراجی و دسترسی نابرابر به نفوذ سیاسی همچنان موانعی جدی بر سر راه دگرگونی ساختاری باقی ماندند.

این چالش‌ها در مبارزات جنبش‌های اجتماعی برزیل به‌وضوح دیده می‌شود .جنبش کارگران روستایی بی‌زمین[۷] با تمرکز مالکیت زمین مقابله می‌کند و اصلاحات ارضی مردمی، بوم‌کشاورزی و حاکمیت غذایی را پیش می‌برد .جنبش کارگران بی‌خانمان[۸] طردشدگی مسکونی و تلقی زمین شهری به‌عنوان دارایی سرمایه‌گذاری را به چالش می‌کشد .ائتلاف مردمان بومی برزیل[۹] حقوق سرزمینی و خودمختاری سیاسی

---

[5] Agência Brasil 2026a, 2026b

[۶] به موج پیروزی‌های انتخاباتی دولت‌های چپ و چپ‌میانه در آمریکای لاتین، به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، اشاره دارد .این دولت‌ها با درجات متفاوتی از نولیبرالیسم فاصله گرفتند و بر عدالت اجتماعی، بازتوزیع ثروت، کاهش فقر و استقلال منطقه‌ای تأکید کردند.

[7] Movimento dos Trabalhadores Rurais Sem Terra -MST

[8] Movimento dos Trabalhadores Sem Teto - MTST

[9] Articulação dos Povos Indígenas do Brasil - APIB

مردمان بومی را وارد بحث‌های ملی می‌کند و با الگوهای توسعه‌ای مقابله می‌کند که سرزمین‌ها را عمدتاً منابعی برای استخراج می‌دانند.

پیروزی لولا در انتخابات ۲۰۲۶ برزیل را باید در بستر مبارزه‌ای طولانی‌تر فهمید؛ مبارزه‌ای که قدرت مردمی، امکان این پیروزی را فراهم کرده بود .این انتخابات بخشی از منازعه‌ای تاریخی میان جنبش‌های پیشروِ خواهان بازتوزیع ثروت و قدرت و نیروهای حاکمی است که از تمرکز موجود ثروت و مالکیت دفاع می‌کنند.

جنبش کارگران روستایی بی‌زمین یکی از بزرگ‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین جنبش‌های اجتماعی چپ در برزیل و آمریکای لاتین است. این جنبش که در سال ۱۹۸۴ به‌صورت ملی سازمان یافت، مبارزه‌ای بلندمدت با گرایش مارکسیستی برای اصلاحات ارضی، مقابله با تمرکز مالکیت و تقویت توان جمعی مردم فقیر روستایی را پیش می‌برد؛ اشغال زمین‌های بلااستفاده، ایجاد تعاونی‌ها و سازمان‌دهی آموزش سیاسی از ابزارهای این مبارزه بوده‌اند.[۱۰]

تمرکز زمین همچنان یکی از بنیان‌های نابرابری در برزیل است. بر اساس آماری که در منابع مرتبط با جنبش و پژوهش‌های مربوط به اصلاحات ارضی نقل شده، حدود سه درصد جمعیت مالک دوسوم زمین‌های قابل کشت‌اند؛ این رقم را باید در چارچوب ساختار تاریخیِ تمرکز زمین، سرمایه داری نژادی و استمرار نابرابری مالکیت فهمید[۱۱]

جنبش کارگران روستایی بی‌زمین نمونه‌ای روشن از رابطه میان مشارکت انتخاباتی و ایجاد جنبشی مستقل و سازمان‌یافته است. پروژه سیاسی این جنبش ریشه در مبارزه علیه تمرکز مالکیت زمین و برای اصلاحات ارضی مردمی دارد. بااین‌حال، فعالیت آن سازمان‌دهی جمعی، بوم‌کشاورزی، حاکمیت غذایی، آموزش سیاسی و ایجاد روابط بدیل میان انسان‌ها، تولید و جهان طبیعی را نیز در بر می‌گیرد.

در سال ۲۰۲۶، جنبش کارگران روستایی بی‌زمین انتخابات را فرصتی برای گسترش این پروژه به نهادهای قانون‌گذاری تلقی کرد. برنامه انتخاباتی آن، اصلاحات ارضی مردمی را در مرکز برنامه‌ای گسترده‌تر قرار داد که به نابرابری، گرسنگی، مالیات بر کشاورزی صنعتی بزرگ‌مقیاس و آفت‌کش‌ها، تولید بوم‌کشاورزانه و حاکمیت غذایی می‌پرداخت.[۱۲] این جنبش مطالبات خود را به مسائل گسترده‌تری چون حقوق کار، مسکن و حکمرانی اقتصادی نیز پیوند داد. [۱۳] برنامه انتخاباتی آنها همچنین بر همبستگی بین‌المللی با کوبا، ونزوئلا و فلسطین

[10] (Hammond and Rossi 2022; MST n.d.).
[11] (Friends of the MST n.d.; Hammond and Rossi 2022).
[12] (MST 2026a, 2026b).
[13] (MST 2026a, 2026b).

تاکید کرد. چنین مواضعی اصلاحات ارضی را در چارچوب نقدی گسترده‌تر از نابرابری و سازمان‌دهی قدرت اقتصادی و سیاسی قرار می‌دهند.

مشارکت انتخاباتی جنبش کارگران روستایی بی‌زمین از آن جهت اهمیت دارد که این فرض را به چالش می‌کشد که جنبش‌های اجتماعی باید میان مشارکت نهادی و استقلال از پایین یکی را انتخاب کنند. این جنبش با حمایت از نامزدهای خود و هم‌زمان پشتیبانی از انتخاب مجدد لولا، کوشید از فضای دموکراتیک گسترده‌تر دفاع کند، بی‌آنکه هویت سیاسی خود را در کارزار ریاست‌جمهوری حل کند. انتخاب هشت نماینده مورد حمایت این جنبش ـ چهار نفر در مجلس نمایندگان فدرال و چهار نفر در مجالس ایالتی ـ میزان دسترسی انتخاباتی این راهبرد را نشان داد.[۱۴]

انتخاب رزا آموریم به مجلس نمایندگان فدرال نیز اهمیت ویژه‌ای داشت؛ او نخستین زن از جنبش کارگران روستایی بی‌زمین بود که به این مجلس راه یافت. اگرچه حضور در مجلس می‌تواند فرصت‌هایی برای به چالش کشیدن دستورکارهای مسلط، طرح پیشنهادها و افزایش دیده‌شدن جنبش ایجاد کند، این حضور در نهادهایی صورت می‌گیرد که منابع نابرابر، حقوق مالکیت تثبیت‌شده و نفوذ سیاسی کشاورزی صنعتی بزرگ‌مقیاس آن‌ها را شکل داده‌اند. چالش اصلی نمایندگان سیاسی، پاسخ‌گویی در برابر جوامع و فرایندهای جمعی‌ای است که آن‌ها را به این نهادها فرستاده‌اند.

با این حال اعضای این جنبش انتخابات را فرصتی برای پیشبرد یک پروژه سیاسی می‌دانند، نه صرفاً راهی برای به قدرت رساندن نامزد ریاست‌جمهوری مطلوب. برگزاری برنامه ای با عنوان «کار جمعی در دفاع از طبیعت و دموکراسی» در دوره انتخابات، اهمیت زیرساخت گسترده‌تر این جنبش را نشان می‌دهد. فعالیت‌ها شامل درخت‌کاری، توزیع نهال، آموزش بوم‌کشاورزی، آموزش سیاسی و بسیج اجتماعی بود. این ابتکارها دفاع از دموکراسی را به احیای بوم‌شناختی و کار جمعی پیوند دادند، به‌جای آنکه دموکراسی را صرفاً به حوزه رأی‌گیری محدود کنند. تعهد گسترده‌تر جنبش به کاشت ۱۰۰ میلیون درخت تا سال ۲۰۳۰ نیز دگرگونی زیست‌محیطی را درون پروژه‌ای بلندمدت برای بازسازی سرزمینی قرار می‌دهد.

کارزار انتخاباتی جنبش کارگران روستایی بی‌زمین در سال ۲۰۲۶ رابطه میان سازمان‌دهی از پایین و مشارکت در نهادهای سیاسی را برجسته کرد .این جنبش نامزد های انتخاباتی خود را نه جایگزینی برای مبارزه جمعی، بلکه امتدادی از آن و ابزاری برای پیشبرد اصلاحات ارضی مردمی در عرصه قانون‌گذاری معرفی کرد .برنامه

[14] (MST 2026c).

انتخاباتی آن بر مقابله با تمرکز زمین و سلطه زمین‌داران بزرگ، مبارزه با گرسنگی و نابرابری، حمایت از کشاورزی خانوادگی و تولید غذای سالم تأکید داشت .آموزش جمعی و کشاورزی بوم‌شناختی نیز از ارکان این رویکرد بودند .هدف غایی جنبش این بود که نمایندگی انتخاباتی را در برابر یک پروژه جمعی سازمان‌یافته پاسخ‌گو کند.

ازاین‌رو، تجربه این جنبش نشان می‌دهد که سیاست انتخاباتی، در کنار فرصت‌هایی که برای پیشبرد مطالبات مردمی فراهم می‌کند، محدودیت‌هایی نیز دارد. انتخابات می‌تواند راه را برای تغییرات نهادی باز کند، اما تحقق این تغییرات به تداوم سازمان‌دهی، فشار سیاسی و تلاش جمعی جنبش‌ها برای پیشبرد بدیل‌های خود بستگی دارد. صندوق رأی مهم است، اما به‌تنهایی اما نمی تواند جایگزین مبارزه پیوسته برای زمین، حقوق کارگران، حاکمیت غذایی و حفظ روابط بوم‌شناختی شود.

جنبش کارگران بی‌خانمان :مسکن شهری و حق زندگی جمعی

جنبش کارگران بی‌خانمان در سال ۱۹۹۷ تأسیس شد و حول حق برخورداری از مسکن شایسته سازمان‌دهی می‌کند .این جنبش نظامی را به چالش می‌کشد که در آن زمین و مسکن شهری اغلب در درجه نخست دارایی‌هایی برای سرمایه‌گذاری تلقی می‌شوند، نه شرایط ضروری زندگی جمعی.

جنبش کارگران بی‌خانمان، مسکن را مسئله‌ای جمعی و سیاسی تلقی می‌کند و از طریق اشغال زمین‌ها و ساختمان‌های خالی و سازمان‌دهی اجتماعی نشان می‌دهند که افرادی که از بازار رسمی مسکن کنار گذاشته شده‌اند می‌توانند سازمان‌یابی کنند، مطالبات خود را درباره شهر مطرح کنند و توزیع منابع شهری را به چالش بکشند. از این دریچه، عدالت مسکن بخشی از دفاع از دموکراسی است؛ زیرا محرومیت از مسکن امن، دسترسی به خدمات ضروری و امکان اثرگذاری معنادار بر سرنوشت محله، مشارکت افراد در زندگی سیاسی و اجتماعی را محدود می‌کند.

توجه به این نکته مهم است که جنبش‌های مسکن در برزیل تنها برای پیروزی یک نامزد بسیج نمی‌شوند، آن‌ها می‌کوشند دستور کار سیاسی را نیز تغییر دهند .در جریان انتخابات ۲۰۲۲، مطالبات مرتبط با حق بر شهر و اصلاحات شهری از طریق ائتلاف‌های سازمانی و کنفرانس‌های مردمی به فضای انتخاباتی راه یافتند جنبش کارگران بی‌خانمان یکی از سازمان‌های مشارکت‌کننده در این تلاش‌ها بود. با این نگاه، این جنبش را می‌توان بخشی از زیرساخت اجتماعی و سازمانی‌ای دانست که امکان بسیج نیروهای مردمی در برابر راست افراطی و دفاع از بازگشت لولا به قدرت را فراهم کرد.

ائتلاف مردمان بومی برزیل :سرزمین‌های بومی در برابر توسعه استخراج‌گرا

ائتلاف مردمان بومی برزیل در عرصه انتخاباتی درکی متمایز اما مرتبط از دموکراسی را مطرح می‌کند .ابتکار انتخاباتی این ائتلاف در سال ۲۰۲۶ با عنوان Bancada Indígena، با هدف وارد کردن اولویت‌های سرزمینی مردمان بومی به سیاست انتخاباتی شکل گرفت .این ائتلاف گزارش کرد که این ابتکار شامل ۵۶ نامزد از ۳۹ ملت بومی در ۱۹ ایالت، از جمله ۲۷ زن، بوده است[۱۵].

شعار این کارزار، «سرزمین ما، زندگی ما»، بیانگر درکی سیاسی است که در آن سرزمین صرفاً قطعه‌ای محدود از زمین یا منبعی اقتصادی نیست[۱۶] .سرزمین از وجود جمعی، تداوم فرهنگی، خودمختاری سیاسی و روابط با جهان فراانسانی جدایی‌ناپذیر است. این درک، الگوهای توسعه‌ای را به چالش می‌کشد که جنگل‌ها، رودخانه‌ها و منابع معدنی را عمدتاً کالاهایی برای استخراج می‌دانند. نگرانی ائتلاف مردمان بومی برزیل تنها به کلیت الگوی توسعه استخراج‌گرا محدود نیست، بلکه به تصمیم‌های مشخص کنگره نیز مربوط می‌شود . به گفته این ائتلاف، نمایندگان کنگره بارها به تضعیف حقوق سرزمینی مردمان بومی و حمایت‌های زیست‌محیطی رأی داده‌اند.

ریاست‌جمهوری احتمالی فلاویو بولسونارو می‌توانست خطرات جدی‌ای برای مردمان بومی برزیل به همراه داشته باشد؛ به‌ویژه از طریق تضعیف حمایت‌های قانونی از سرزمین‌های بومی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی استخراج‌محور. بولسونارو در جریان کارزار انتخاباتی خود از گشودن سرزمین‌های بومی به روی معدن‌کاوی و دیگر فعالیت‌های اقتصادی حمایت کرد. میراث سیاسی دولت پدر او نیز مبنایی عینی برای درک این نگرانی‌ها فراهم می‌کند. در دوران ریاست‌جمهوری ژائیر بولسونارو، دولت روند به‌رسمیت‌شناختن سرزمین‌های بومی را متوقف یا کُند کرد، نظارت و اجرای قوانین زیست‌محیطی را تضعیف کرد و از اقداماتی حمایت کرد که حقوق مردمان بومی بر سرزمین‌هایشان را به خطر می‌انداخت. سازمان دیده‌بان حقوق بشر مستند کرده است که این سیاست‌ها به تصرف غیرقانونی زمین‌ها، قطع غیرقانونی درختان، معدن‌کاوی و خشونت علیه جوامع بومی دامن زدند.[۱۷]

پیامدهای این سیاست‌ها بسیار فراتر از تغییر در مالکیت زمین است. گشودن سرزمین‌های بومی به روی معدن‌کاوی، کشاورزی صنعتی و پروژه‌های زیرساختی می‌تواند جنگل‌زدایی را تشدید کند، رودخانه‌ها را با

[15] (APIB 2026)
[16] (Krenak 2020; Santos 2015, 2023)
[17] https://www.hrw.org/news/2022/08/09/brazil-indigenous-rights-under-serious-threat

جیوه آلوده سازد، نظام‌های تأمین غذا را مختل کند و روابط بوم‌شناختی‌ای را که جوامع به آن‌ها وابسته‌اند، از بین ببرد. وضعیت سرزمین یانومامی، که در آن معدن‌کاوی غیرقانونی با آسیب‌های جدی به سلامت انسان و محیط زیست همراه بوده است، نشان می‌دهد که تضعیف حمایت از سرزمین‌های بومی چگونه می‌تواند به تهدید مستقیم جان انسان‌ها بینجامد. از این رو، جوامع بومی توزیع نابرابر قدرت در تعریف توسعه را به چالش می‌کشند؛ آنها نباید مجبور شوند هزینه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی پروژه‌هایی را تحمل کنند که منافعشان در جای دیگری انباشته می‌شود، درحالی‌که دانش سرزمینی و مطالبات سیاسی آنان به حاشیه رانده می‌شود.

ابتکار انتخاباتی این ائتلاف تلاشی برای پیوند دادن مبارزه با نمایندگی رسمی است، بی‌آنکه سیاست مردمان بومی به انتخابات تقلیل یابد .نامزدهای انتخاباتی می‌توانند مسائل سرزمینی را در نهادهای دولتی مطرح کنند، اما حاکمیت بومی و قدرت جمعی همچنان از طریق جوامع سازمان‌یافته، بسیج سرزمینی، اتحادها و مقاومت در برابر سلب مالکیت نیز اعمال می‌شوند.

برای این ائتلاف ، دفاع از سرزمین‌های مردمان بومی صرفاً مطالبه‌ای برای حفاظت از محیط زیست نیست؛ بلکه مبارزه‌ای بر سر اقتدار سیاسی، تداوم جمعی و حق جوامع برای تعیین آینده خود است .همین امر مبارزات سرزمینی مردمان بومی را به بخش مرکزی هر درکی از دموکراسی تبدیل می‌کند که از نمایندگی رسمی فراتر می‌رود.

امید، قدرت جمعی و دموکراسی از پایین

انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل در ۲۵ اکتبر ۲۰۲۶ یادآوری قدرتمندی بود که کنش جمعی هنوز می‌تواند روند پیشروی راست افراطی را متوقف کند. لولا که در دور نخست عقب‌تر از رقیب خود قرار گرفته بود، در ادامه کارزار توانست با برگزاری تجمع‌های خیابانی، سازمان‌دهی از پایین و مشارکت دوباره حامیان در فضای آنلاین، نیروی سیاسی قابل‌توجهی بسیج کند .نتیجه، ضربه‌ای مهم به پروژه سیاسی بولسونارو و به چرخش منطقه‌ای به راست بود؛ چرخشی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، از آن حمایت می‌کرد.

اهمیت انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل فراتر از مرزهای ملی این کشور است و پیامدهایی در مقیاس جهانی دارد .این رقابت را باید در بستر رویارویی نیروهای سیاسی، اقتصادی و فناورانه‌ای فهمید که از لولا حمایت می‌کنند یا در برابر پروژه سیاسی او قرار می‌گیرند؛ از جمله دونالد ترامپ، اسرائیل، شرکت‌های بزرگ فناوری مانند متا و گوگل، ایلان ماسک، جریان‌های انجیلی محافظه‌کار، سرمایه کلان و سازوکارهای الگوریتمی شبکه‌های اجتماعی.

برای ما که به مبارزه برای عدالت در فراسوی مرزها متعهدیم، برزیل امیدبخش است. به زعم پائولو فریره[۱۸] «امید وعده‌ای نیست که تاریخ ناگزیر به سوی رهایی حرکت خواهد کرد .امید شرط و شیوه‌ای از مبارزه است که از طریق تأمل انتقادی و کنش جمعی تداوم می‌یابد» .از این منظر، انتخابات نه تضمینی برای دگرگونی پیشرو است و نه دلیلی برای کنار گذاشتن مشارکت سیاسی .انتخابات لحظه‌ای است که اهمیت آن به فعالیت‌هایی بستگی دارد که مردم در پیرامون آن سازمان می‌دهند و بنا می‌کنند.

بنابراین، دفاع از دموکراسی چیزی فراتر از حفظ نهادهاست .این دفاع مستلزم حفاظت از مردم، حافظه‌ها، شیوه‌ها و سرزمین‌هایی است که زندگی جمعی را پایدار نگه می‌دارند .هنگامی که سیاست اقتدارگرا می‌کوشد آینده قابل‌تصور را محدود کند، سازمان‌دهی جمعی می‌تواند امکان‌های دیگری ایجاد کند. از این دریچه، انتخاب مجدد لولا اهمیت دارد، زیرا فضای سیاسی لازم برای سازمان‌دهی دموکراتیک را حفظ می‌کند و ممکن است فرصت‌هایی برای پیشبرد مطالبات جنبش‌های اجتماعی ایجاد کند .اما این پیروزی به‌خودی‌خود منازعاتی را که انتخابات را چنین مهم کرده‌اند حل نمی‌کند .تداوم تمرکز مالکیت زمین، توسعه استخراج‌گرا، محرومیت مسکونی در شهرها و مناقشه بر سر حقوق سرزمینی مردمان بومی نشان می‌دهد که بنیان‌های سیاست اقتدارگرا بسیار فراتر از ریاست‌جمهوری امتداد دارند.

تلاش‌های این جنبش‌ها پرسشی اساسی مطرح می‌کنند :مردم چگونه می‌توانند برای ساختن آینده‌های جمعی به سازمان‌دهی ادامه دهند، هنگامی که دستاوردهای دموکراتیک شکننده‌اند و ساختارهای سلب مالکیت همچنان پابرجا هستند؟

راهبرد انتخاباتی جنبش کارگران روستایی بی‌زمین، مبارزه جنبش کارگران بی‌خانمان علیه محرومیت از مسکن و تلاش ائتلاف مردمان بومی برزیل برای وارد کردن اولویت‌های سرزمینی مردمان بومی به سیاست انتخاباتی، نمونه‌هایی متفاوت از مواجهه با این تنش‌اند .وجه مشترک این جنبش‌ها، تأکید بر این اصل است که جوامع باید از قدرتی واقعی و معنادار برای تعیین شرایط زندگی و هستی جمعی خود برخوردار باشند.

این چارچوب رابطه میان دموکراسی قانون اساسی و دگرگونی اجتماعی را نیز روشن می‌کند .تضمین‌های قانون اساسی و نهادهای مستقل می‌توانند از فضای مشارکت سیاسی محافظت کنند و اعمال خودسرانه قدرت را محدود سازند .از سوی دیگر، سازمان‌دهی از پایین به فضای حقوقی و سیاسی نیاز دارد تا مطالبات جمعی بدون سرکوب شدن مطرح شوند.

[18] (Freire 1992).

از این منظر، انتخابات لحظه‌ای در مبارزه‌ای طولانی‌تر بر سر معنای خود دموکراسی است .اگر دموکراسی را به معنای ظرفیت جمعی برای تعیین چگونگی حکمرانی بر سرزمین‌ها و تداوم زندگی بفهمیم، این سؤال مطرح می‌شود که آیا گشایش‌های انتخاباتی می‌توانند به ساختن شکل‌هایی از قدرت کمک کنند که از ترتیبات موجود دولت فراتر می‌روند یا خیر.

مشارکت انتخاباتی جنبش کارگران روستایی بی‌زمین در سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که یک جنبش چگونه می‌تواند پروژه سیاسی خود را به مجالس قانون‌گذاری گسترش دهد و در عین حال، سازمان‌دهی جمعی را در مرکز فعالیت‌هایش حفظ کند .سیاست مسکن جنبش کارگران بی‌خانمان آشکار می‌کند که زمین شهری و سرپناه از مسائل بنیادین دموکراتیک‌اند، نه صرفاً پیامدهای بازار .ابتکار انتخاباتی ائتلاف مردمان بومی برزیل نیز نشان می‌دهد که جنبش‌های مردمان بومی چگونه می‌توانند اولویت‌های سرزمینی خود را به نهادهای رسمی وارد کنند و هم‌زمان، مبارزه‌ای گسترده‌تر برای حاکمیت سرزمینی، تداوم بوم‌شناختی و خودمختاری جمعی را پیش ببرند.

تجربه انتخابات ۲۰۲۶ برزیل نشان می‌دهد که انتخابات به‌تنهایی تضمین‌کننده دموکراسی نیست، بلکه دستاوردهای انتخاباتی زمانی می‌توانند به دگرگونی‌های ساختاری بینجامند که ظرفیت سازمان‌یابی و کنش جمعی برای به چالش کشیدن نابرابری‌های موجود را تقویت کنند. دفاع از دموکراسی مستلزم دفاع از جنبش‌هایی است که دموکراسی را از انتخاب دوره‌ای میان نخبگان سیاسی فراتر می‌برند .این دفاع به ساختن شرایط مادی و جمعی‌ای نیاز دارد که مردم بتوانند زندگی خود را اداره کنند، جوامع خود را پایدار نگه دارند و آینده‌هایی فراتر از سلب مالکیت را تصور کنند.

صندوق رأی یکی از عرصه‌های مبارزه دموکراتیک است .اشغال زمین، مجامع محلی، جنبش‌های مسکن، دفاع سرزمینی مردمان بومی، فعالیت‌های بوم‌کشاورزانه، آموزش سیاسی و حفظ حافظه جمعی نیز عرصه‌های دیگری از این مبارزه‌اند .پیوند میان این عرصه‌ها بنیان دموکراسی‌ای عمیق‌تر فراهم می کند؛ دموکراسی‌ای که در آن مردم به‌عنوان کنشگران سیاسی‌ای به رسمیت شناخته می‌شوند که توانایی تعیین شرایط وجود جمعی خود را دارند.

بااین‌حال، تجربه این جنبش‌ها یادآور محدودیت بنیادی سیاست انتخاباتی نیز هست. فاشیسم را نمی‌توان صرفاً با رأی دادن شکست داد .انتخابات می‌تواند فرصتی برای عقب‌راندن نیروهای اقتدارگرا و گشودن فضاهای نهادی برای مطالبات مردمی فراهم کند، اما این فرصت تنها زمانی به دگرگونی پایدار می‌انجامد که با سازمان‌یابی مستقل و مستمر جنبش‌های اجتماعی، مبارزه علیه نابرابری و سلب مالکیت، و گسترش قدرت جمعی مردم همراه باشد.

ضمیمه

عکس ها از وب‌سایت جنبش کارگران بی‌زمین برزیل (MST) گرفته شده و چهاردهمین گردهمایی ملی این جنبش در شهر سالوادور را نشان می دهد؛ گردهمایی‌ای که با حضور بیش از سه هزار فعال و با شرکت لوئیز ایناسیو لولا دا سیلوا، رئیس‌جمهور برزیل، به پایان رسید .محور اصلی آن، تأکید بر اصلاحات ارضی مردمی به‌عنوان بنیانی برای دموکراسی، عدالت اجتماعی و حاکمیت غذایی است . همچنین تصاویری از کارزارهای انتخاباتی سال ۲۰۲۶ و نامزدهای مورد حمایت جنبش کارگران روستایی بی‌زمین در انتخابات عمومی برزیل در سال ۲۰۲۶ که می‌کوشند مطالباتی مانند اصلاحات ارضی، حقوق کارگران روستایی و حاکمیت غذایی را وارد نهادهای سیاسی کنند:






LULA


14º ENCONTRO
NACIONAL


13





منابع

Agência Brasil. 2026a. “Campanha de Lula vai ao TSE após IA da Meta restringir buscas sobre Lula” [کارزار لولا پس از محدودیت جست‌وجوی مربوط به او در هوش مصنوعی متا به دادگاه عالی انتخابات مراجعه کرد .14 October 2026]. مشاهده منبع.

Agência Brasil. 2026b. “Meta alega ‘problemas técnicos’ para menor alcance de Lula nas redes” [متا کاهش دسترسی به مطالب لولا در شبکه‌های اجتماعی را ناشی از مشکلات فنی دانست .11 October 2026]. مشاهده منبع.

Articulação dos Povos Indígenas do Brasil (APIB). 2026. “Bancada Indígena 2026 leva força dos territórios para a disputa eleitoral” [ائتلاف انتخاباتی مردمان بومی ۲۰۲۶: حضور سرزمین‌ها در رقابت انتخاباتی .19 August 2026]. مشاهده منبع.

Freire, Paulo. 1992. Pedagogia da esperança: Um reencontro com a Pedagogia do oprimido. Rio de Janeiro: Paz e Terra.

Hammond, John L., and Federico M. Rossi. 2022. “Landless Workers Movement (MST) (Brazil).” The Wiley Blackwell Encyclopedia of Social and Political Movements. https://doi.org/10.1002/9780470674871.wbespm328.pub2.

Human Rights Watch. 2022. “Brazil: Indigenous Rights Under Serious Threat.” 9 August 2022. مشاهده منبع.

Human Rights Watch. 2022. “Crisis in the Brazilian Amazon.” 19 April 2022. مشاهده منبع.

Movimento dos Trabalhadores Rurais Sem Terra (MST). 2026a. “Da luta pela terra às urnas: MST lança plataforma para as eleições de 2026” [از مبارزه بر سر زمین تا صندوق رأی: جنبش کارگران بی‌زمین برنامه انتخاباتی خود را منتشر کرد .12 August 2026]. مشاهده منبع.

Movimento dos Trabalhadores Rurais Sem Terra (MST). 2026b. “Plantar alimentos, proteger a vida: a disputa ambiental nas eleições de 2026” [تولید

غذا و حفاظت از زندگی :منازعه زیست‌محیطی در انتخابات ۲۰۲۶ .17 September 2026. [مشاهده منبع.

Movimento dos Trabalhadores Rurais Sem Terra (MST). 2026c. “MST elege oito candidaturas nas eleições de 2026” [جنبش کارگران بی‌زمین در انتخابات ۲۰۲۶ هشت نماینده انتخاب کرد .5 October 2026. [مشاهده منبع.

Tribunal Superior Eleitoral (TSE). 2026. “Presidente do TSE anuncia reeleição de Lula e faz balanço do 2º turno das Eleições 2026” [رئیس دادگاه عالی انتخابات، انتخاب مجدد لولا را اعلام و دور دوم انتخابات ۲۰۲۶ را ارزیابی کرد]. 26 October 2026.مشاهده منبع.